

## صیحه آسمانی، نشانه قطعی ظهور

ظهور فتنه‌های گوناگون و مدعیان دروغین در دوران غیبت، شناسایی مهدی حقیقی را به مراتب از هر دوره دیگری دشوارتر ساخته است.



ظهور فتنه‌های گوناگون و مدعیان دروغین در دوران غیبت، شناسایی مهدی حقیقی را به مراتب از هر دوره دیگری دشوارتر ساخته است.

### صیحه یا ندای آسمانی

کتاب‌های متقدم شیعه که در باب غیبت نگاشته شده‌اند، روایات قابل توجهی را در باب ندای آسمانی که با عنوان «صیحه» و «فزع»؛ و «صیحه»؛ و «فزع»؛ نیز از آن یاد شده است؛ در کنار سایر علایم و نشانه‌های ظهور، همچون ظهور سفیانی، یمانی و نفس زکیه ذکر کرده‌اند؛ و از جزئیات آن خبر داده‌اند؛ به گونه‌ای که نعمانی 25 روایت، شیخ صدوق 8 روایت و شیخ طوسی 9 روایت در این باره گزارش کرده‌اند. از میان این تعداد، 4 روایت صحیح (همان: 264؛ طوسی، 1411: 435 و 441 و صدوق، 1395: 650) و 4 روایت دیگر قابل اعتماد هستند. قابل اعتماد از این روایات؛ و رو که برخی راویان این روایات در کتاب‌های معتبر رجالی به توثیق و یا تضعیف متصف نشده‌اند تا بر اساس معیارهای محدثین متاخر بتوان درباره وضعیت اسناد آن روایات قضاوت کرد و آن‌ها را در یکی از چهار دسته صحیح، حسن، موثق و ضعیف قرار داد؛ اما بر اساس پاره‌های قراین، می‌توان آن‌ها را پذیرفت.

همچون حدیث 7 کمال الدین (صدوق، 1395: 650)، عمر بن حنظله توثیق ندارد؛ اما عموم محدثین به روایات او اعتماد کرده و روایات او را تلقی به قبول کرده‌اند (خویی، 1413، ج 14: 32). نیز در اسناد روایات 25 و 26 الغیبه نعمانی (نعمانی، 1397: 263 و 264)، علی بن یعقوب هاشمی توثیق یا تضعیفی ندارد؛ اما برخی محدثین، روایت بنی فضا از او را دلیل بر قابل اعتماد بودن او دانسته‌اند (خویی، 1413، ج 1: 67) و نیز حسین بن مختار در حدیث 16 الغیبه نعمانی (نعمانی، 1397: 257)، از سوی هیچ یک از رجالیان توثیق نشده و تنها شیخ مفید او را ثقة دانسته است (مفید، 1413، ج 2: 248) که اگر توثیق شیخ مفید را بپذیریم، می‌توان این روایت را پذیرفت و بدان اعتماد کرد. مابقی روایات ضعیف‌اند که قریب به اتفاق آن‌ها، علت ضعف، توثیق و تضعیف نداشتن، و به عبارت دیگر مهمل بودن راوی است که در این صورت می‌توان از آن‌ها به عنوان شاهد و موید روایات مورد اعتماد استفاده کرد. براین اساس، باید گفت حجم روایات در حدی است که می‌توان به صدور آن‌ها اطمینان حاصل کرد.

در روایات، زمان این صیحه در بیست و سوم ماه رمضان، قبل از قیام قائم (عج) اعلام شده (نعمانی، 1397: 254) و امری است فراگیر، همگانی و عظیم که به تمام اهل مشرق و مغرب می‌رسد (همان)؛ به گونه‌ای که حتی دختر جوان را از پس پرده بیرون می‌کشد؛ خوابیده را بیدار می‌کند و بیدار را به فزع و فریاد و می‌دارد (همان: 258) و هر کسی این صدا را به زبان قوم خود می‌شنود و می‌فهمد (طوسی، 1411: 435).

بر اساس آنچه در روایات آمده، این ندا و صیحه آسمانی نشانه‌های یقین آور است؛ به گونه‌ای که اگر محقق شود، در تحقق امر فرج هیچ تردیدی برجای نمی‌گذارد و نشانه‌های آن، صاحب این امر شناخته می‌شود (نعمانی، 1397: 258).

در روایات بیان شده این ندایی است که در قرآن نیز ذکر آن آمده است؛ آن‌جا که خداوند می‌فرماید: *إِنَّ نَسْفًا نُنَزِّلُ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَافُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ*؛ اگر بخواهیم، نشانه‌های آن از آسمان بر آنان فرود آوریم، تا گردن‌هایشان در برابر آن خاضع گردند (شعراء: 4).

بر این اساس، این ندا، نشانه‌های الهی است که اگر نازل شود هیچ جای شبهه و تردید در آن نیست و همه در برابر آن خاضع شده و بر آن گردن می‌زنند (نعمانی، 1397: 260)؛ یا در ادامه روایتی که در آن بیان شده است: «امر فرج روشن تر از خورشید است»؛ چنین آمده‌اند؛ که صدایی از آسمان شنیده می‌شود و منادی ندا می‌دهد که همانا فلان بن فلان امام شماست و او را به اسم و نسب معرفی می‌کند و چنین برداشت می‌شود که این ندا و صیحه آسمانی از دلایل اصلی روشن و آشکار بودن این امر است. همچنین در روایتی پس از بیان تفصیلی بسیاری از نشانه‌ها و علایم ظهور، امام در نهایت بیان می‌کند:

اگر [تشخیص] همه این‌ها دشوار و مشکل شد در تشخیص صدایی که از آسمان خواهد آمد و در آن قائم (عج) به نام خود و نام پدرش خوانده می‌شود، مشکلی نخواهد بود (همان: 282-279).

با این حال، آنچه در این روایات جلب توجه می‌کند، اختلاف در مضمون این روایات است. در برخی از روایات، تنها از یک ندا و صیحه یاد شده که در آن منادی اسم و نسب حضرت قائم (عج) را معرفی می‌کند (طوسی، 1411: 464) و در برخی دیگر بیان شده است که برخاستن نداک آسمانی پس از وقوع قتل و کشتار فراوان است که منادی از آسمان فریاد بر می‌آورد همانا صاحب شما و صاحب این امر، فلانی است. پس برای چه می‌کنید؟ (نعمانی، 1397: 266 - 267 و 279).

در تعداد قابل توجهی از روایات، از دو صیحه و نداک آسمانی یاد شده که نداک اول، از سوی جبرئیل و نداک حق است و نداک دوم، نداک ابلیس و باطل است که در قلب و شک و تردید ایجاد می‌کند (طوسی، 1411: 464). بر اساس روایتی، نداک اول، در ابتدای شب و نداک دوم، در انتهای شب دوم (همان: 265)، و بر اساس روایتی دیگر، نداک اول، در ابتدای روز از آسمان و نداک دوم، در انتهای روز از زمین به گوش می‌رسد (طوسی، 1411: 435). در برخی روایات محتوای این دو ندا نیز متفاوت گزارش شده است. به طور مثال، در برخی روایات آمده است که نداک اول، مهدی موعود (عج) را معرفی می‌کند؛ اما نداک دوم که نداک شیطان است، بیان می‌کند که مردی از بنی امیه و پیروان او بر حق هستند (نعمانی، 1397: 264). نیز آمده است که نداک دوم، خبر می‌دهد فلانی مظلوم کشته شده است (همان: 252).

بر اساس روایتی، نداک اول، بیان می‌کند همانا فلانی امیر است و نیز حق با علی (ع) و شیعیان اوست و نداک دوم، بیان می‌کند که همانا مردی از بنی امیه و پیروان او رستگارانند (همان: 264). در روایتی دیگر، نداک دوم، از حقانیت سفیانی و پیروانش خبر می‌دهد (صدوق، 1395، ج 2: 652) و چند روایت دیگر محتوای نداک دوم را حقانیت عثمان و شیعیان او گزارش می‌کند (طوسی، 1411: 435). علاوه بر این، روایات دیگری گویای شنیده شدن اصوات سه گانه و نداک است که در ماه رجب به گوش می‌رسد (همان: 439). همچنین در برخی روایات خبر از صوتی داده شده که از جانب دمشق به گوش می‌رسد و از فتح و پیروزی خبر می‌دهد (همان: 442 و نعمانی، 1397: 279).

روشن است این حجم روایات را با این درجه از اعتبار تنها به صرف اضطراب و اختلاف متن نمی‌توان زیر سوال برد و باید دید آیا می‌توان میان آن‌ها وجه جمعی قائل شد و این اختلاف و ناسازگاری را بر طرف کرد؟ آنچه برای جمع این روایات به ذهن می‌رسد، این است که بگوییم احتمال دارد محتوای نداک اول، هم معرفی قائم (عج) و هم اثبات حقانیت امام علی (ع) و شیعیان ایشان باشد که در روایات، این مطالب، جداگانه بیان شده است.

آنچه درباره محتوای نداک دوم آمده نیز، احتمال دارد به یک شخص و همان سفیانی ناظر باشد که از تبار عثمان و بنی امیه است و شیطان به منظور ایجاد تشکیک در دل و اجداد او و اجداد او ندا می‌دهد. در هر حال، کاملاً محتمل است هر کدام از روایات تنها بخشی از این واقعه را گزارش کرده باشد. اگر مجموع روایات در کنار هم در نظر گرفته شوند، شاید بتوان به تصور کاملی از این واقعه دست یافت.

در روایاتی هم که درباره اصوات سه گانه و صوتی که از جانب دمشق به گوش می‌رسد، سخنی از مهدی، یا قائم (عج) نیست؛ لذا ممکن است نشانه‌هایی برای امور و اتفاقات دیگری غیر از ظهور قائم (عج) باشند که وقوع آن‌ها موجب فرج و گشایش برای شیعیان است و نیز آن‌گونه که از تعبیر روایات بر می‌آید، ممکن است این اصوات به عنوان خبر دهنده از آن صیحه بزرگ آسمانی و نشانه قریب الوقوع بودن آن باشند، نه خود صیحه و نداک مذکور.

مضافاً این‌که اصوات سه گانه در ماه رجب را تنها شیخ طوسی در کتاب الغیبه خود گزارش کرده (طوسی، 1411: 439) و این خبر در منابع متقدم دیگر، همچون کمال الدین و الغیبه نعمانی به چشم نمی‌خورد و نیز به آسمانی بودن صوتی که از دمشق به گوش می‌رسد، اشاره و نداک نشده و ممکن است صوت و ندایی بشری و پدیده‌ای کاملاً طبیعی پیش از ندا و صیحه اصلی بوده باشد.

در هر صورت، به نظر می‌رسد آنچه روایات به رغم اختلاف در تعبیرشان، بر آن دلالت می‌کنند، این است که صیحه و نداک آسمانی نشانه‌ای است معرفت بخش و یقین آور که شناسایی قائم (عج) را برای ما مقدور می‌سازد؛ اما روشن است این نشانه، دلیلی برای ایمان اجباری به مهدی موعود نیست؛ بلکه در همان هنگام نیز شیطان نقش فعالی را در به انحراف کشاندن انسان‌ها از مسیر هدایت اجرا می‌کند و به وسیله نداک دوم سعی می‌کند بذر شک و تردید را در قلب و پراکنده سازد (صدوق، 1395: 650 و نعمانی، 1397: 265) و همان‌گونه که در طول تاریخ همواره انسان‌ها از مسیری که با وجود دیدن معجزات فراوان از پیامبران، به آن ایمان نیاوردند؛ هنگام ظهور نیز انسان‌ها از مسیری که به رغم مشاهده نشانه‌های آشکار تسلیم حق نشده و رهسپار وادی ضلالت و گمراهی می‌شوند.



نمی‌تواند دلیل موجهی برای انکار آن باشد؛ زیرا این واقعه، دلیل موجهه خود را از حجم فراوان روایاتی که روایات معتبر هم در میان آن‌ها اندک نیست؛ دریافت می‌کند.

نتیجه‌گیری

دوران طولانی غیبت کبرا و ظهور و بروز فتنه‌های گوناگون، زمینه را برای ظهور مدعیان دروغین مهدویت فراهم آورده است. از سوی دیگر، تکالیف و مسئولیت‌هایی که بر دوش شیعیان، مبنی بر یاری و نصرت حضرت مهدی (عج) هنگام ظهور، نهاده شده، در وهله اول در گرو شناسایی آن حضرت است. مطمئناً عقل به تنهایی برای شناسایی امام مهدی حقیقی کافی نیست؛ زیرا تنها قادر به کشف معیارهای کلی است و در تشخیص مصداق آن‌ها معیارها چندان کارایی ندارد. لذا لازم است، نشانه‌هایی اختصاصی و منحصر به فرد برای امام مهدی حقیقی از سوی ائمه: ارائه شده باشد؛ به گونه‌ای که بی هیچ واسطه‌ای، افراد را به او راهنمایی و حجت را بر آنان تمام کند.

در نگاه متکلمینی همچون شیخ مفید و سید مرتضی، این نشانه، می‌بایست از نوع معجزه باشد تا بر صدق ادعای فردی که خود را مهدی موعود خوانده است، دلالت کند. روایات نیز اظهار معجزه را در کنار علائم دیگری همچون نص و عصمت، از نشانه‌های تشخیص هر امامی بر شمرده‌اند.

برای شناسایی امام مهدی (عج) و ظهور او نیز نشانه‌ها و علائم فراوانی نام برده شده است که از میان آن‌ها تنها پنج علامت را می‌توان به عنوان علائم حتمی و قطعی ظهور در نظر گرفت که عبارتند از: ظهور سفیانی و یمانی، کشته شدن نفس زکیه، خسف پیدا و ندا و صیحه آسمانی. از آن‌جا که غیر از خسف پیدا و صیحه آسمانی، چهار نشانه قبل، قابلیت تطبیق بر مصادیق متعدد را دارند؛ تنها خسف پیدا و صیحه آسمانی را می‌توان به عنوان نشانه و علامت معجزه آسا در نظر گرفت. از میان این دو نیز، در روایات، از صیحه آسمانی به عنوان نشانه و علامتی یاد شده که حضرت قائم (عج) را به نام و مشخصات کامل معرفی می‌کند.

بر این اساس، باید گفت، این نشانه، نشانه‌ای منحصر به فرد برای شناسایی حضرت حجت (عج) خواهد بود. روایات فراوانی جزئیات این ندا و صیحه را خبر داده‌اند که تعداد قابل توجهی از روایات معتبر در میان آن‌ها وجود دارند. بر این اساس، می‌توان گفت هنگام ظهور آنچه امام مهدی حقیقی را به انسان‌ها شناسانده و حجت را بر آن‌ها تمام می‌کند، ندا و صیحه آسمانی است که او را با نام و مشخصات کامل به مردم معرفی می‌کند. به همین دلیل است که در روایات، فرج و شناسایی امام مهدی (عج) امری روشن و آشکار، همچون خورشید دانسته شده است که برای تشخیص آن جای نگرانی نیست.

#### منابع

##### قرآن کریم.

- 1، آیتی، نصرت الله (پاییز 1391). معیارهای تطبیق نشانه‌های ظهور، مشرق موعود، شماره 23،
- 2، ابن بابویه، علی بن الحسین (بی‌تا). الامامه و التبصره، قم، موسسه آل البيت.
- 3، حلی، حسن بن یوسف (1425ق). کشف المراد، تحقیق: حسن حسن زاده آملی، قم، موسسه نشر اسلامی.
- 4، خویی، ابوالقاسم (1413ق). معجم رجال الحدیث، تهران، مرکز نشر الثقافه الاسلامیه.
- 5، سبحانی، جعفر (1412ق). الالهیات، قم، المركز العالمی للدراسات الاسلامیه.
- 6، شریف مرتضی، علی بن حسین (1410 ق). الشافی فی الامامه، تحقیق: سید عبدالزهره حسینی، تهران، موسسه الصادق (ع).
- 7، صادقی، مصطفی (1385ق). تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- 8، صدوق، محمد بن علی (1395ق). کمال الدین و تمام النعمه، قم، دار الکتب الإسلامیه.
- 9، طوسی، محمد بن حسن (1406 ق). الاقتصاد فیما یتعلق فی الاعتقاد، بیروت، دارالاضواء.
- 10، \_\_\_\_\_، الغیبه، قم، مؤسسه معارف اسلامی.
- 11، طبرسی، احمد بن علی (1403 ق). الإحتجاج، مشهد، نشر مرتضی.
- 12، کلینی، محمد بن یعقوب (1411 ق). الکافی، بیروت، دارالاضواء.
- 13، مجلسی، محمد باقر (1429 ق). بحارالانوار، بیروت، موسسه العلمی للمطبوعات.
- 14، مفید، محمد بن محمد (1413 ق). الف، النکت الاعتقادیه، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- 15، \_\_\_\_\_، (1413 ق). ب، رسائل فی الغیبه، قم، المؤتمر العالمی للشیخ مفید.
- 16، \_\_\_\_\_، (1413 ق). الارشاد، قم، کنگره شیخ مفید.
- 17، نعمانی، ابن ابی زینب (1397 ق). الغیبه، تهران، مکتبه الصدوق.

نویسندگان:

معصومه رضوانی، روح الله شاکری زواردهی

مجله انتظار موعود شماره 47